

ارائه مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان
Developing a conceptual model for improving college students' identity
formation for Islamic Azad Universities in Tehran

Simin Doraki
Hamidreza Arasteh
Nadergholi Ghourchian
Golnar Mehran

سیمین درکی*
حمیدرضا آراسته**
نادرقلی قورچیان***
گلنار مهران****

چکیده

Abstract

The purpose of this study was to design a conceptual model for identity formation among college students. Therefore, five objectives were taken into account: identifying the dimensions and characteristics of identity formation, determining the effective factors for identity formation, comparing students' identity status between the first and last terms in ideological dimension, comparing students' identity status between the first and last terms in interpersonal relationship dimension and developing a model for the role of universities in improving students' identity. A mixed applied research method was chosen for this study. Utilizing archival method, 4 dimensions and 36 components of students' identity formation were identified. Using a survey method and stratified-cluster sampling, a 65-item questionnaire was administered among 613 first/Last-semester students. Data were analyzed by binominal test, independent t-test, multivariate analysis of variance and chi square test. The findings showed that the identity status of last-semester students was lower than first-semester students. A model for improving students' identity formation was designed. The degree of fit of the final model was approved by 24 faculty members, administrators and academic experts.

Keywords: Identity, students' identity dimensions, Shaping identity, Effective factors, University role

هدف این مطالعه طراحی مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان بود. از این‌رو، پنج هدف جزئی شامل شناسایی ابعاد و ویژگی‌های هویت، تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر شکل‌گیری هویت، بررسی وضعیت هویت دانشجویان در مقایسه ترم اول به آخر در بعد ایدئولوژیکی، بررسی وضعیت هویت دانشجویان در مقایسه ترم اول به آخر در بعد روابط بین‌شخصی و ارائه مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان مد نظر قرار گرفت. روشی ترکیبی برای اجرای این پژوهش در نظر گرفته شد. ابتدا با روش کتابخانه‌ای، ۴ بعد و ۳۶ مؤلفه شکل‌گیری هویت شناسایی شدند. داده‌ها با به‌کارگیری روش پیمایشی، نمونه‌گیری طبقه‌ای-خوشه‌ای و توزیع پرسشنامه‌ای ۶۶ سؤالی بین ۶۱۳ دانشجو گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری دو جمله‌ای، t مستقل، تحلیل واریانس چندمتغیره و خی‌دو صورت پذیرفت. یافته‌ها نشان داد که وضعیت هویت دانشجویان در ترم آخر کمتر از دانشجویان ترم اول بود. در نهایت مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان طراحی شد و درجه تناسب مدل نهایی توسط ۲۴ نفر از اعضای هیأت علمی، مدیران و متخصصان دانشگاهی تأیید گردید.

واژه‌های کلیدی: هویت، ابعاد هویت دانشجویان، هویت-سازی، عوامل تأثیرگذار بر هویت، نقش دانشگاه

email: simin_doraki@yahoo.com

* دکتری مدیریت آموزش عالی
** عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی
*** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
**** عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا

Received: 15 Feb 2015 Accepted: 10 Dec 2015

دریافت: ۹۳/۱۱/۲۶ پذیرش: ۹۴/۹/۱۹

مقدمه

اهداف و آرمان‌هایی که از فلسفه ایجاد نظام آموزش عالی برمی‌خیزد، از آنچه "باید باشد" سخن می‌گویند. این اهداف با نگاهی به آینده و به طور عمده با ثبات، به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی جهت می‌دهند. در این میان، «ترجیح دانشگاه و استادان این است که دانشجو در کنش‌های خود فعال باشد و امکان پرسش‌گری و نقد را داشته باشد و برای تکوین شخصیت علمی و اجتماعی خود تلاش کند» (معدفر، ۱۳۸۹). اما دانشجویان نیاز دارند در کنار کسب مهارت و تسلط بر متون درسی، از شرایطی برخوردار گردند که امکان رشد هویت و استقلال فکری و علمی‌شان فراهم گردد. «این امر مستلزم توانمندبودن آنها در زمینه برنامه‌ریزی، اجرا و تحت نظارت قراردادن کوشش‌های علمی‌شان درون یک شیوه خویشندارانه می‌باشد» (برزونسکی، ۲۰۰۰). با این معنا، ضروری است دانشجویان برای تکوین شخصیت و هویت علمی و اجتماعی خود تلاش کنند. اما از آنجا که هنوز تعیین شخصی پیدا نکرده است، نیازمند است در کنار درک صحیح از فرایند هویت‌سازیش، مورد حمایت و هدایت قرار گیرد. این پژوهش تلاش دارد از طریق ارائه مدلی مفهومی، به صورت دستگاهی برای اندیشیدن و اجرای عملکردهای مناسب، نقش دانشگاه را در زمینه کمک به فرایند هویت‌سازی دانشجویان، مورد بررسی قرار دهد. مطالعه در زمینه شکل‌گیری هویت، با رویکردها و دیدگاه‌های مختلف، منتج به نظریات متفاوتی درباره این موضوع می‌شود. به‌طور کلی، نظریات را می‌توان در مقولات مختلف زیستی-تکاملی، روانکاوی، یادگیری اجتماعی، شناختی و زمینه‌ای دسته‌بندی کرد. از آنجا که هویت ماهیتی ناهمگون دارد، شاید تعریفی مانع و جامع از آن وجود نداشته باشد. در مورد تناقض‌هایی که در زمینه هویت وجود دارد، می‌شود اشاره کرد که «هویت به طور همزمان حاصل یک عنصر ایستا و یک عنصر پویاست. از یک‌سو، رجوع به هویت بیانگر استمرار و تداوم یک من منفعل و تاریخی است. اما از سوی دیگر هویت دائماً در معرض بازتعریف و بازتولید است» (افروغ، ۱۳۷۹). در میان اندیشمندان، فروید (۱۹۳۳) از جمله نظریه‌پردازانی بود که به هویت توجه ویژه‌ای داشت. فروید معتقد بود: سه عنصر اصلی، سازنده شخصیت انسان است که عبارتند از: «غرایز و امیال ناخودآگاه^۱، خود^۲ و فراخود^۳» (چنگ، ۲۰۰۴). فروید ناخودآگاه را مهم‌ترین حیطه روانی یک شخص در نظر می‌گرفت. اما تا پیش از سال ۱۹۵۰، علی‌رغم برخی پژوهش‌ها، مطالعات تجربی تکرار شده و بینش‌ها و بصیرت‌های نظری مهم در مورد "شخص"^۴، یک نظریه جامع در این زمینه به دست نیامده بود که بین دوسویه بودن پیچیدگی‌های اجتماعی و ویژگی‌های فعال شخص از یک‌سو، و ساختارهای اجتماعی از دیگر سو، ارتباط برقرار نماید. در سال ۱۹۵۰ "فوت"^۵ مفهوم تعهد^۶ را مطرح ساخت. وی این سؤال را مطرح کرد که افراد چگونه باید خط‌مشی‌های کلی فعالیت‌های خود را پدید آورند و یا حفظ کنند؟ وی در پاسخ چنین استدلال کرد که عملکرد بدون هویت، بدون انگیزه و بدون محرک، رفتاری پوچ و

id^۱

ego^۲

super ego^۳

† Self

° Foote

° Commitment

بی‌معناست، در حالی که تعهد کامل یک شخص نسبت به هویتش، برای یک "خود فعال"، ضروری است. سپس "بکر" (۱۹۶۰، ۱۹۶۴) به این نتیجه رسید که تعهد، حاصل چگونگی پردازش هویت افراد است که وی آنها را شروط جانبی^۱ نامید. بکر می‌اندیشد که یک شخص متعهد، از طریق توسل به "شروط جانبی" و اقدام در مسیری خاص، توجه دیگران را به طرزی بدیع و مستقیماً به سوی فعالیتی که بدان مشغول است، نسبت به خود جلب می‌کند و با انجام چنین کاری و با اتکاء به آن، شخص چگونگی عملکرد خود را استمرار می‌بخشد. اما استریکر (۱۹۶۸ و ۱۹۸۰)، تعهد را به‌عنوان بخشی از نظریه هویت رشدیافته^۲ با در نظر گرفتن رابطه بین خود و ساختارهای اجتماعی، مورد توجه قرار می‌دهد. این نظریه به رابطه مثبت بین تعهد و نظم سلسله‌مراتبی هویت در قالب نقش‌های مختلف، توجه دارد. از نظر وی، «تعهد به روابط اشاره دارد که به عنوان راهی برای خدمت و یا ارتباط با دیگران، از روی انتخاب شکل گرفته، به قسمی که تغییر الگوی انتخاب، نیازمند تغییر الگوی روابط با دیگران است. در این مورد تعهد به یک هویت را می‌توان به وسیله هزینه‌های گرد آمده پیرامون روابطی که به یک هویت وابسته‌اند، اندازه‌گیری کرد» (حاجیان، ۱۳۸۸). مید^۳ (۱۹۰۰-۱۹۸۶) نیز از جمله نظریه‌پردازانی بود که به رابطه متقابل میان انسان و محیط اجتماعی‌اش اعتقاد داشت؛ به این معنی که شکل‌گیری و رشد هویت، در متن متنوعی از نهادها و بافت‌های اجتماعی نظیر، خانواده، گروه همسالان، محیط‌های آموزشی، محیط‌های شغلی و بافت مذهبی بوجود می‌آید. اما در عین حال انسان خلاق، کنش فردی و اجتماعی را چنان می‌سازد که خود مایل است. از این‌رو، "مید" می‌اندیشید که ماهیت و محتوای "خود" و نحوه شکل‌گیری آن در یک زمینه ساختی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. اما این نظریه صرفاً معطوف به عوامل ساختاری نیست، بلکه او توانایی آگاهانه کنشگر را برای ساماندهی، تنظیم و سیاست‌گذاری هویت خویش مورد تأکید قرار می‌دهد. مید در توضیح این نکته می‌گوید: «انسان سوای انگیزه‌ها و تحریکاتی که از سوی محیط بر او وارد می‌شود، باید چیزی در درون داشته باشد که هویت او را بسازد، به شکلی که بتواند به آن رجوع کند و او را مورد مشورت قرار دهد و از او کمک بخواهد» (عبداللهی، ۱۳۸۹). ضمن توجه به این نکته که مهم‌ترین خصوصیت "خود" پوششی بودن آن است، چرا که هیچ‌گاه تبدیل به "ساخت" نمی‌شود. بنابراین، این دانشمندان، شناخت ما را با تدوین هویت بر پایه تعاملی نمادین افزایش دادند که بر رابطه دوسویه و پویا بین ساختارهای اجتماعی و فرایندسازی خود تأکید دارد. اریکسون^۴ نیز هویت را امری ایستا نمی‌دانست. وی برخلاف فروید که دوران کودکی را برای ساخت هویت و شخصیت مورد تأکید قرار می‌داد، معتقد بود، ما صرفاً محصول تجربیات دوران کودکی نیستیم؛ تأثیرات کودکی اهمیت دارند، اما رویدادهای مراحل بعدی نیز در تکوین هویت آدمی نقش مهمی دارند. لذا انسانها به‌طور کامل تحت تأثیر نیروهای زیست‌شناختی که در دوران کودکی فعال هستند، قرار نمی‌گیرند. هم‌چنین او جزو اولین پژوهشگران هویت بود که سیر نوجوانی به جوانی را مطالعه کرد. اریکسون معتقد بود: «انسان در هر مرحله از رشد خود، باید بحران‌ها و تعارض‌هایی را به طور موفقیت‌آمیز حل کند، تا برای مرحله بعدی آمادگی کافی داشته باشد. ضمن اینکه باید بتواند

^۱ Side bets

^۲ Developed Commitment

^۳ Mead

^۴ Erikson

سلامت روانی خود را نیز تأمین کند» (فراهانی، ۱۳۸۸). در خلال این دوره، هم زمینه برای رشد شخصی فراهم است، و هم از سویی دیگر امکان شکست و ناکامی وجود دارد. اریکسون از سویی می‌افزاید "هویت خود" در وجه انتزاعی‌اش، آگاهی از حقیقت "خود-همان‌بودی"^۱ است. این مفهوم در استمرار روش‌هایی قابل جستجو است که شخص برای ساخت خود "واحد" به کار می‌بندد. اریکسون معتقد بود که این خود-همان‌بودی در حقیقت آگاهی و بصیرت انسان است نسبت به هویت شخصی‌اش. یک تلاش ناآگاهانه برای استمرار ویژگی‌های شخصی، یک فرایند مستمر برای تلفیق خود از راه همبستگی درونی با آرمان‌های اجتماعی و هویت‌گروهی» (آدامز، ۱۹۹۸). به این صورت، اریکسون به شرح و بیان عوامل مختلفی پرداخت که به تشکیل هویت در دوران بزرگسالی منجر می‌شوند. او معتقد بود: در ورود به بزرگسالی و به‌هنگام ساختن تعهدات مهم زندگی و ایجاد یک خود منعطف از سوی شخص، انتظار یک نوع وقفه روانی اجتماعی از جوان وجود دارد. این وقفه، به شکل مرحله‌ای حساس و خطرناک، بحرانی را به‌همراه می‌آورد» (همان). تحقیقات بعدی نیز نشان داد که «هویت یک شخص بعد از دوره نوجوانی و گذشتن از بلوغ جوانی، به‌خصوص برای کسانی که وارد دانشگاه می‌شوند، تغییر می‌کند. همین امر در مورد سبک پردازش هویت نیز صدق می‌کند» (راس، ۲۰۰۲). سپس بر بنیان نظریه اریکسون، "مارسیا" چهار حالت متفاوت از هویت را تنظیم کرد که طرق متفاوت شکل‌گیری هویت را توصیف می‌نمایند. این شیوه‌ها عبارتند از: «هویت اکتساب^۲، هویت تعلیق^۳، هویت وقفه^۴، و هویت سرگشته^۵. با این تعریف، افرادی که در طبقه اکتساب قرار دارند، به طور با ثبات‌تری نسبت به کسانی که در حالت تعلیق و یا آشفته جای می‌گیرند، هدفمندتر و متعهدتر می‌باشند» (برزنسکی، ۲۰۰۰). مطالعات وی نشان داد، دانشجویانی که در جایگاه هویت اکتساب قرار دارند، دارای عملکردی بسیار عالی می‌باشند و در عرصه فعالیت‌های علمی و پژوهشی افرادی آگاهند و نسبت به مسئولیت‌هایشان خود را متعهد می‌دانند. اما جوانانی که در حالت تعلیق هویت هستند، هنوز نتوانسته‌اند تصمیم روشنی برای مسائل اصلی زندگی خود بگیرند، زیرا این جوانان پیش از پذیرش و دستیابی به تعهد در زمینه ارزش‌ها و باورهای خود، به حسب وجود انتخاب از میان بدیل‌های مختلف، مشغول بررسی هستند. تعلیق هویت در میان جوانان دانشگاهی رواج بیشتری دارد. «از آنجا که هویت تعلیق به اکتشافات تدریجی از گزینه‌های حرفه‌ای و شخصیتی اشاره دارد، منجر به وجود بی‌ثباتی مرتبط با ارزش‌ها، آرمان‌ها و باورهایی می‌شود، که بدون رسیدن به تعهد، در تجربه بحران منعکس می‌گردد» (واس، ۲۰۰۹). همچنین جوانانی که زودتر به هویت تثبیت شده‌ای می‌رسند، بدون آنکه بحرانی را تجربه کرده باشند، در وضعیت هویت وقفه قرار دارند. یعنی آنها به جهان‌بینی معینی متعهد هستند که حاصل جستجوگری خود آنها نیست، بلکه به‌صورتی آماده از جانب والدین و یا افراد با نفوذ زندگی‌شان، به آنان ارائه شده است. دانشجویان با ویژگی هویتی سرگشته، از نظر رشد هویت در نازل‌ترین سطح،

^۱ Self-sameness

(خود- همان بودی). حکایت از نوعی آگاهی انسان نسبت به هویت شخصی‌اش دارد، که با ثبات و انسجام همراه است، و از سویی انطباق درونی شخص را با آرمان‌های اجتماعی انعکاس می‌دهد.

^۲ Identity Achievement

^{۱۲} Identity Moratorium

^۳ Identity Foreclosure

^{۱۴} Identity Diffusion

نسبت به سه گروه دیگر قرار دارند. حالتی که در آن هیچ نوع بحرانی را سپری نکرده‌اند و در عین حال نه به درک و کشفی رسیده‌اند و نه نسبت به اهداف خاصی تعهدی احساس می‌کنند و اساساً تمایل به انتخاب اهدافی ندارند، ضمن اینکه از توانایی شناختی پائینی برخوردارند. لویکس می‌گوید: «افراد با هویت سرگشته، از صراحت و صداقت کمتری برخوردارند و در زمینه ایده‌های جدید و چشم‌اندازهای مختلف، ذهنی باز ندارند» (فراهانا، ۲۰۱۰). آدامز نیز بر بنیان نظریه اریکسون معتقد بود، هویت و رشد آن، در متن محیط اجتماعی و در هنگام جامعه‌پذیری به وقوع می‌پیوندد. وی باور دارد اشخاص به حسی از یگانگی و همزمان حسی از تعلق نیاز دارند. از این‌رو، معتقد است: در پرتو دو کارکرد فردی و اجتماعی که شخص به کار می‌بندند، نوعی آسایش فردی و امنیت جمعی، در میان احساساتی به وجود می‌آید که در آن، هم خود شخص و هم ادراکات مهم دیگران، معنا یافته و دارای اهمیت می‌شود. در اینجا «کارکرد فردی^۱ جامعه‌پذیری، بر نیازها و فرایندهای مرتبط با فردیت، شخصی‌سازی، یگانگی و تمایز تأکید دارد. در حالی که، آمیزش یا کارکرد اجتماعی^۲ جامعه‌پذیری، بر نیازها و فرایندهایی تمرکز دارد که وابستگی، ارتباط داشتن، و اتحاد با دیگران را سهولت می‌بخشد» (آدامز، ۱۹۹۸). وی معتقد است: «فضا و محیط دانشگاه‌ها که تنوعی از تجارب را فراهم می‌سازند، می‌توانند رشد هویت را تسهیل نماید، به‌خصوص برای ورودی‌های جدید که وارد یک فرایند تحول می‌شوند» (مورگل، ۲۰۰۹). تاجفل^۳ نیز به همراه ترنر^۴ در سال ۱۹۷۹ نظریه هویت اجتماعی را توسعه بخشید و به این نتیجه رسید که فرد تنها یک خود شخصی^۵ ندارد، بلکه دارای چندین خود است که با چرخه‌های عضویت گروهی هم‌خوانی دارد. زمینه‌های متفاوت اجتماعی ممکن است یک شخص را بر مبنای "خودهای" مختلف از لحاظ شخصی، خانوادگی، و ملی، به فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن برانگیزد. او معتقد است: «هویت شخصی اجزایی از تعریف خود را منعکس می‌کند که با ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات فیزیکی فرد، ارتباط دارد. اما هویت اجتماعی با عضویت گروهی پیوند دارد و شامل سه عنصر معرفتی یا شناختی، عنصر ارزشی، عنصر عاطفی و احساسی است که با آگاهی فرد نسبت به اینکه وی به گروه‌های اجتماعی معینی تعلق دارد، و اهمیت عاطفی و ارزشی که برای عضویت گروهی قائل است، در ارتباط می‌باشد» (تاجفل، ۱۹۷۸). از سویی برخی از صاحب‌نظران معتقدند: «مرحله ورود جوانان به دانشگاه، دورانی از رشد هویت آنان است که می‌توان آنرا دوران برزخ نامید، زیرا جوان پس از اتمام دوران کودکی و نوجوانی که بیشتر رفتارهایش تقلیدی است، وارد مرحله استقلال می‌شود که حل و فصل آن ممکن است دشواری‌هایی ایجاد کند» (غباری، ۱۳۸۵). حال این سؤال مطرح است که آیا اساساً فرصتی برای تفکر، مقایسه، انتخاب و هدایت به سمت کمال‌یافتگی، در اختیار جوان دانشجو بوده است تا برای تشخیص بایدها و نبایدها، برای فهم دلایل پذیرفتن‌ها و نپذیرفتن‌ها، درک صحیح چیستی‌ها و چرایی‌ها و سپس تعهد نسبت به آنها که از عوامل هویت‌یابی است، تلاش کند؟ شاید پاسخ همواره مثبت نباشد. از سویی روشن است که دانشگاه صرفاً ارائه‌دهنده دانش رسمی نیست.

^۱ Individual Function

^۲ Social Function

^۳ Tagfel

^۴ Turner

^۵ Personal Self

«دانشگاه یک دانش رسمی و یک دانش ضمنی را به دانشجو انتقال می‌دهد و شخصی که وارد دانشگاه می‌شود، باید بتواند یک جامعه‌پذیری مجدد را طی کند؛ و از این راه، خود را با زندگی صنعتی، و رسانه‌ای شده مدرن امروزی سازگار کند. متأسفانه این کارکردها به درستی انجام نمی‌شود» (فاضلی، ۱۳۸۶). پس اگر "سازگاری" نه لزوماً "سازش" یکی از نشانه‌های داشتن هویت باشد، شاید علت این ناسازگاری‌ها آن باشد که دانشجو خویشتن خود و به عبارتی هویتش را بدست نیآورده است. «در حال حاضر نوعی از هم‌گسیختگی در دانشگاه حضور دارد که چشم‌انداز روشنی را از آینده ترسیم نمی‌کند. برای حل مسئله هویت جوانان، مدیریت دانشگاه نیازمند یک بازاندیشی و درک درست از مسئله است» (کاشی، ۱۳۸۶). بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که در حال حاضر، بعضاً دانش سازمان‌یافته‌ای که بتواند در خدمت سیاست‌گذاران، مسئولان و مدیران نظام آموزش عالی، به منظور تسریع و تسهیل شکل‌گیری هویت دانشجویان قرار گیرد و به آنان در رشد و بهبود هویت‌یابی‌اشان کمک کند، با ضعف و نقصان روبروست. توجه به این نکته نیز ضروری است که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، به عنوان خرده سیستم‌هایی از یک سیستم بزرگ اجتماعی الزاماً با عواملی بیرونی در تعاملی دوسویه قرار دارند. این‌گونه مطالب ابتدا توسط اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش تطبیقی از جمله «سدلر^۱ در سال ۱۹۰۲ مورد مطالعه قرار گرفت. او اصطلاح منش ملی^۲ را مطرح ساخت که نظام‌های اجتماعی را متأثر می‌سازد. پس از آن، این رهیافت‌ها، توسط سایر اندیشمندان و صاحب‌نظران از جمله، کندل^۳ در سال ۱۹۴۵، کوی^۴ در سال ۱۹۸۱، هنز^۵ در سال ۱۹۸۵ و اشنایدر مورد تأیید قرار گرفت» (آقازاده، ۱۳۸۴). اهم مؤلفه‌های تأثیرگذار شامل «عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی فرهنگی، نهاد مذهب، تاریخ و شرایط اقلیمی است که کلیه نظام‌های آموزشی را نیز در برگرفته، تحت تأثیر قرار می‌دهند و خود نیز از نتایج و برون‌دادهای نظام‌های تعلیم و تربیت، از جمله دستاوردها و برون‌دادهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تأثیر می‌پذیرند» (کوی، ۱۳۷۵). بنابراین، با این توضیحات و از منظر بین‌رشته‌ای^۶ می‌شود برای حل پیچیدگی‌های هویت دانشجویان و فرایندهای هویت‌سازی آنان پاسخی جامع‌تر به دست آورد. از این رو، لازم است متخصصین امور مربوط به دانشجویان، از این منظر درکی کامل‌تر یا فرارشته‌ای^۷ که از تلفیق تخصص‌ها حاصل می‌شود و با مجموعه‌ای از دانسته‌ها درک می‌شود، از دانشجویانی به دست آورند که برای روبرو شدن با مشکلات، نیازها، شکل دادن به تجربیات و تولید یا بازتولید هویتشان، تلاش می‌کنند و البته در این راستا آن را رشد داده، تکامل می‌بخشند. بدین معنا ورودی‌های هر دانشگاه متأثر از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، فعالیت‌ها، ارتباطات، فضا، فرهنگ و به‌طور کلی جامعه دانشگاهی به ساخت یا بازساخت هویت خویش می‌پردازند. این تأثیرگذاری برخی از برنامه‌ها و بخش‌های مدیریتی دانشگاهی را بیشتر مشمول خود می‌سازد که

^۱ Sadler

^۲ National Characters

^۳ Kandel

^۴ Khoi

^۵ Hans

^۶ Interdisciplinary

^۷ Trans-disciplinary

ارائه مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان ...

در شکل‌گیری هویت دانشجویان نقش تعیین‌کننده‌تری ایفا می‌کنند که عبارتند از: برنامه‌های علمی پژوهشی؛ برنامه‌های ورزشی؛ برنامه‌های فرهنگی؛ برنامه‌های مشاوره‌ای؛ انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی؛ فوق برنامه‌ها.

پرسش‌های پژوهش

- ۱) ویژگی‌های ابعاد هویت دانشجویان کدام است؟
- ۲) ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر تکوین هویت دانشجویان کدام است؟
- ۳) وضعیت هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد شهر تهران در مقایسه دو ترم اول و آخر چگونه است؟
- ۴) مقایسه باور دانشجویان ترم اول و ترم آخر نسبت به نقش دانشگاه بر وضعیت هویت‌شان چگونه است؟
- ۵) چه مدلی می‌توان برای نقش دانشگاه در بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد ارائه داد؟

روش

پژوهش حاضر از نظر نوع، تحقیقی ترکیبی^۱ است. به همین منظور، ابتدا با روش کتابخانه‌ای، ابعاد و مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت دانشجویان شناسایی و تعیین گردید؛ هم‌چنین مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر تکوین هویت دانشجویان استخراج شد. سپس پژوهشگر از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند، دیدگاه صاحب‌نظران حوزه هویت، که به روش هدفمند انتخاب شده بودند را در مورد مؤلفه‌های شناسایی شده، جویا شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری^۲، گروه‌های کانونی^۳ و تلفنی انجام گرفت. قبل از انجام مصاحبه پرسشنامه‌ای مشتمل بر سؤال‌هایی که از درون مبانی نظری و پیشینه تحقیق استخراج شده بود، در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد. سپس داده‌های خام و اطلاعات به دست آمده بعد از سازمان‌دهی، طبقه‌بندی و تنظیم، از طریق تحلیل محتوا مورد ارزیابی قرار گرفت و شش مؤلفه تأثیرگذار دانشگاهی بر هویت دانشجویان، تأیید و بر اساس میزان اهمیت و تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها بر بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان تعدیل و اولویت‌بندی گردید. پس از آن، برای تعیین وضعیت هویت دانشجویان با بهره‌برداری از روش پیمایشی و توزیع پرسشنامه بین دانشجویان اقدام گردید. برای سنجش پایایی این ابزار، پرسشنامه‌ها بین ۴۰ نفر از اعضای نمونه توزیع شد و از طریق الفبای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت، که حاکی از اعتبار (الفبای کرونباخ معادل ۹۱/۴ درصد) قابل قبول آن بود. سپس با توجه به موضوع و ماهیت این پژوهش، اهداف و سؤال‌های تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها، از روش "تحقیق ترکیبی تحولی"^۴ استفاده شد که در آن رهیافت‌های کیفی نقش محوری و رهیافت‌های کمی، جنبه تکمیلی داشت. در نهایت پس از پیوند، همسوسازی و تلفیق اطلاعات حاصل از تحلیل‌های آماری، تفسیر جامع کل داده‌ها، برای ارائه مدل مفهومی نقش دانشگاه در بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد تهران، انجام گردید.

^۱ Mixed Method Research

^۲ Face to Face

^۳ Focus Groups

^۴ Transformative Mixed Method Procedure

جامعه آماری: جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل ۲۴ نفر از شش واحد دانشگاهی^۱ از استادان، مدیران و صاحبان در زمینه شکل‌گیری، بهبود، رشد و تثبیت هویت دانشجویان، که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند و در بخش کمی، کلیه دانشجویان جدیدالورود و ترم آخر مقطع کارشناسی واحدهای شش‌گانه دانشگاه‌های آزاد شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ بوده است که بر اساس آمار کسب شده از "مرکز فن آوری و اطلاعات" سازمان مرکزی دانشگاه آزاد، جمعا ۳۸۶۳۴ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای و خوشه‌ای و به‌صورت تصادفی انجام گردید و کلاس درس به عنوان خوشه مورد نظر واقع شد. برای اندازه‌گیری حجم نمونه، با توجه به اطلاعات موجود و حجم جامعه آماری، همچنین با استفاده از نرم افزار محاسبه نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و فاصله اطمینان ۵، میزان آن ۳۷۷ نفر برای ترم اول و ۳۷۷ نفر برای ترم آخر و جمعا ۷۵۴ نفر محاسبه گردید. در نهایت پس از توزیع پرسشنامه و حذف پاسخ‌های مخدوش ۶۱۳ پرسشنامه به‌عنوان گروه نمونه انتخاب گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش و در بخش کمی، از آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در آمار توصیفی از جداول توزیع فراوانی، درصد و میانگین به‌عنوان شاخص‌های گرایش مرکزی بهره‌برداری شد. همچنین به‌منظور تحلیل استنباطی یافته‌های پژوهش ابتدا به‌منظور مقایسه وضعیت هویت دانشجویان ترم اول و ترم آخر از آزمون t مستقل به‌عنوان ابزار تحلیل استفاده شد. سپس برای بررسی و مقایسه باور دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه بر وضعیت هویتشان (شکل‌گیری، رشد، تغییر ...) و برحسب پذیرش در واحدهای مختلف، از آزمون χ^2 استفاده گردید. در بخش کیفی، از نظریه‌ها، اسناد و متون، انجام مصاحبه و سپس تحلیل محتوا، به‌عنوان یک روش مطالعه، بهره‌برداری شد. هدف پژوهشگر مطالعه و درک صحیح محتوای آشکار و پنهان ارتباطات به شیوه‌ای قاعده‌مند بود. همچنین با توجه به هدف پژوهش، یعنی استنتاج و ارائه مدلی مفهومی برای نقش دانشگاه در شکل‌گیری هویت دانشجویان که امری اکتشافی، تفسیری و مفهومی است از روش "تحقیق ترکیبی تحولی" استفاده شد که در آن یافته‌های کیفی نقش محوری و یافته‌های کمی، جنبه تکمیلی داشت. سپس با پیوند، همسوسازی و تلفیق اطلاعات به‌دست آمده از تحلیل‌های آماری، تفسیر جامع کل داده‌ها، صورت پذیرفت و در نهایت مدل مفهومی نقش دانشگاه در بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد تهران، استنتاج و ارائه گردید.

یافته‌ها

سؤال اول- ویژگی‌های ابعاد هویت دانشجویان کدام است؟ به‌منظور پاسخ به سؤال اول، با استفاده از نتایج مبانی نظری، مطالعه اسناد و متون همچنین پژوهش‌های انجام شده در ایران و جهان، این نتیجه به دست آمد که دانشجویان دارای پایگاه‌های مختلف هویتی هستند. منشا این دیدگاه، نظریه ماریا است. این پایگاه‌ها که ابعاد هویت را می‌سازند عبارتند از: هویت متعهد مستقل منعطف؛ هویت نیمه متعهد مستقل منعطف؛ هویت متعهد غیر

^۱ شامل واحدهای شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکزی، و علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد شهر تهران

مسفل غیر معطف؛ هویت غیر متعهد و سر درگم. هر یک از این پایگاه‌های هویتی دارای ویژگی‌هایی هستند که در جدول پیوست (شماره ۱) نشان داده شده است.

سؤال دوم- مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر شکل‌گیری هویت دانشجویان کدام است؟ پس از شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر فرایند هویت‌سازی دانشجویان و انجام مصاحبه با صاحب‌نظران و تحلیل محتوای نظرات نخبگان، محورهای زیر بر اساس اولویت، اهمیت و نقش تأثیرگذاریشان بر فرایند هویت‌سازی دانشجویان، به‌صورت زیر امتیازبندی شدند و عبارتند از:

- برنامه‌های مشاوره‌ای دانشگاه در اولویت اول با امتیاز ۹۳ درصد
- برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در اولویت دوم با امتیاز ۸۳ درصد
- برنامه‌های فرهنگی ادبی دانشگاه در اولویت سوم با امتیاز ۸۰ درصد
- برنامه‌های ورزشی در اولویت چهارم با امتیاز ۷۸ درصد
- انجمن‌ها و تشکلهای دانشجویی در اولویت پنجم با امتیاز ۷۵ درصد
- فوق برنامه‌های دانشگاهی در اولویت ششم با امتیاز ۷۲ درصد

سؤال سوم- وضعیت هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد تهران در مقایسه دو ترم اول و آخر چگونه است؟ به‌منظور پاسخ به سؤال سوم پژوهش، یعنی تعیین وضعیت هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی در شهر تهران، این مطالعه پس از توزیع پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات حاصل از آنها در دو بعد ایدئولوژیکی و روابط بین‌شخصی هم‌چنین در بعد روابط بین‌شخصی به مقایسه وضعیت هویت دانشجویان ترم اول و ترم آخر و سپس به استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌های کسب شده پرداخت که در جداول پیوست (شماره ۲) ارائه شده است. همان‌گونه که در جداول مشاهده می‌شود، میانگین نمره "بعد ایدئولوژیکی" در ترم اول ۳/۱۵، اما در ترم آخر ۳/۰۷ بوده است. آزمون t تفاوت میانگین‌ها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد تفکیک می‌نماید ($\text{sig} < 0.05$). نتیجه این بود که دانشجویان در ترم اول به لحاظ بعد "ایدئولوژیکی"، در مقایسه با ترم آخر از وضعیت بهتری برخوردار بودند. چنین وضعیتی در فلسفه سبک زندگی ($p = 0.039$)، از عوامل بعد عقیدتی نیز وجود داشت. در بعد "روابط بین‌شخصی"، و عوامل آن شامل: چگونگی برقراری روابط دوستانه و تشکیل خانواده ($p = 0.013$)، نقش زنان و مردان در زندگی اجتماعی و خانوادگی ($p = 0.024$)، هم‌چنین وجود داشت ($\text{sig} < 0.05$). یعنی دانشجویان ترم اول و در بدو ورود به دانشگاه، از وضعیت بهتری نسبت به دانشجویان ترم آخر و به هنگام فارغ‌التحصیلی برخوردار بودند. از لحاظ شغل، اعتقادات دینی، دیدگاه‌های سیاسی و انتخاب دوست، دانشجویان ترم اول و ترم آخر، تفاوت معنی‌داری نداشتند. تفاوت میانگین‌ها معنی‌دار نیست ($\text{sig} > 0.05$) (جدول شماره ۲، پیوست).

سؤال چهارم- مقایسه باور دانشجویان ترم اول و آخر نسبت به نقش دانشگاه بر هویت آنان چگونه است؟ به‌منظور پاسخ به مقایسه باور دانشجویان دو ترم اول و آخر، نسبت به نقش دانشگاه بر هویت‌شان، از آزمون خی‌دو استفاده شد. نتایج حاصل در جدول پیوست (شماره ۳) ارائه شده است. با توجه به آزمون خی‌دو به‌منظور مقایسه باور دانشجویان واحدهای مختلف دانشگاه، در ترم اول (0) با درجه آزادی ۲۰، در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنی‌دار است ($\text{sig} < 0.05$)؛ لیکن پس از طی تحصیل در واحدهای مختلف دانشگاه از تفاوت این باور کاسته شد، به صورتی که در ترم آخر (۰/۱۴۱) با درجه آزادی ۲۰، در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنی‌دار نیست؛ بدین ترتیب در

ترم آخر تفاوت معنی‌داری در تفاوت باورهای دانشجویان در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد دیده نشد ($\text{sig} > 0.05$) (جدول شماره ۳، پیوست).

سؤال پنجم- چه مدلی می‌توان برای نقش دانشگاه در بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان دانشگاه‌های آزاد شهر تهران ارائه داد؟ به‌منظور پاسخ به پرسش پنجم، این پژوهش با بهره‌گیری از مبانی نظری، بررسی ادبیات تحقیق و استفاده از پرسشنامه‌ای استاندارد شده که توسط پژوهشگر، متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دانشجویان ایرانی بومی شده بود، به سنجش و ارزیابی وضعیت هویت دانشجویان پرداخت. بر این اساس، و برای طراحی مدل نهایی، محقق ۶ محور را شناسایی و تعیین کرد. پس از آن پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته تدوین گردید و در اختیار ۳۰ نفر از پژوهشگران حوزه هویت و صاحب‌نظران آموزش عالی برای تعیین درجه تناسب مدل پیشنهادی و ۶ محور آن قرار گرفت. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت ۵ رتبه‌ای و با گزینه‌های: کاملاً مناسب، مناسب، متوسط، نامناسب و کاملاً نامناسب تنظیم گردیده بود تا درجه تناسب مدل پیشنهادی و محورهای شناسایی شده آن مطابق با دیدگاه و اظهارات متخصصان با استفاده از محاسبه میانگین مورد سنجش قرار گیرد. نتایج روشن ساخت که میانگین به‌دست آمده از محورهای مدل تحقیق بیشتر از میانگین نظری (۳) بوده است و مدل ارائه شده از سوی متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. درجه تناسب مدل نهایی ۴/۱۲۸ بوده است. محورهای شناسایی شده برای طراحی مدل عبارتند از:

۱- فلسفه و اهداف: این پژوهش اهدافی چون تعیین ابعاد و مؤلفه‌های شکل‌گیری هویت دانشجویان، تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی بر ارتقاء و بالندگی هویت دانشجویان، زمینه‌سازی و تسهیل امکانات و فرصت‌ها برای حمایت از دانشجویان در جهت رشد و بهبود شکل‌گیری هویت و تدوین مدلی برای رشد، اعتلاء و بالندگی هویت دانشجویان در نظام دانشگاهی را مدنظر قرار داده است (درجه تناسب ۳/۸۴).

۲- مبانی نظری: در این بخش، ۷ نظریه مطرح در حوزه هویت و فرایند شکل‌گیری آن مورد توجه بوده است که عبارتند از: نظریه روانی-اجتماعی "اریکسون" (۱۹۶۸)، نظریه پایگاه‌های هویتی "مارسیا" (۱۹۷۶)، نظریه هویت و تعهد "کنتر" (۱۹۶۸) و بورک" (۱۹۸۹) نظریه رشد دانشجو "چیکرینگ" (۱۹۹۰)، نظریه کارکردهای فردی و اجتماعی "آدامز" (۱۹۹۸)، نظریه فرایندسازی هویت "برزونسکی" (۲۰۰۰)، نظریه کنش متقابل "مید" (۱۹۳۹) (درجه تناسب ۴/۰۷).

۳- ابعاد و مؤلفه‌های هویت: مبتنی بر ادبیات تحقیق، مبانی نظری و دیدگاه‌های مطرح در خصوص هویت و فرایند شکل‌گیری و پردازش آن، ۴ بعد هویتی و ۳۶ مؤلفه مرتبط (هر بعد دارای نه مؤلفه) شناسایی شد (درجه تناسب ۴/۱۲).

۴- مؤلفه‌های تأثیرگذار دانشگاهی (درون سیستمی) بر هویت دانشجویان: در این بخش و بر اساس مطالعه متون مبانی نظری و ادبیات تحقیق ۶ مؤلفه تأثیرگذار دانشگاهی بر هویت دانشجویان شناسایی شد. پس از انجام مصاحبه با صاحب‌نظران و استادان حوزه شکل‌گیری هویت دانشجویان و بر اساس تحلیل محتوای دیدگاه آنان هر ۶ مؤلفه مورد تأیید قرار گرفت و در مدل نهایی مورد استفاده واقع گردید (درجه تناسب ۴/۲۷).

۵- مؤلفه‌های تأثیرگذار محیطی (برون سیستمی) بر هویت دانشجویان: در این بخش نیز ۶ مؤلفه محیطی که بیرون از سیستم دانشگاهی فرایند شکل‌گیری هویت دانشجو را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تعیین گردید. این

بحث و نتیجه‌گیری

مهمترین نتایج این پژوهش که با بررسی دقیق مبانی نظری و تحقیقات انجام یافته در ایران و جهان آغاز شد و سپس با انجام مصاحبه و اجرای پرسشنامه ادامه یافت، به قرار زیر است:

- ۱) شناسایی و تعیین چهار بعد و ۳۶ مؤلفه شکل‌گیری هویت دانشجویان
- ۲) شناسایی شش مؤلفه تأثیرگذار دانشگاهی بر شکل‌گیری هویت دانشجویان از طریق مصاحبه با استادان، مدیران و صاحب‌نظران
- ۳) تفاوت معنی‌دار وضعیت هویت دانشجویان ترم اول نسبت به ترم آخر در بعد ایدئولوژیکی و بالاتر بودن میانگین نمرات دانشجویان ترم اول
- ۴) تفاوت معنی‌دار وضعیت هویت دانشجویان ترم اول نسبت به ترم آخر در بعد روابط بین‌شخصی و بالاتر بودن میانگین نمرات دانشجویان ترم اول
- ۵) افزایش میزان باور دانشجویان نسبت به نقش دانشگاه بر تکوین هویتشان از ترم اول به ترم آخر
- ۶) طراحی مدل مفهومی پژوهش شامل: فلسفه و اهداف، مبانی نظری، ابعاد هویت دانشجویان، عوامل تأثیرگذار درون سیستمی (دانشگاهی) و عوامل تأثیرگذار برون سیستمی (محیط ملی و محیط جهانی) و مراحل اجرا

منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۴). آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها افروغ، عماد (۱۳۷۹). هویت‌شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان، فصل‌نامه فرهنگ، شماره ۲۲، قابل دسترسی در <http://www.iranpress.ir/farhang/template1/news.aspx?>
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ نخست
- عبداللهی، محمد. میرزایی، ابراهیم (۱۳۸۹). بررسی کنش متقابل جوانان با محیط سیاسی-اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی استان ایلام، پژوهش‌نامه ۵۵ هویت (۲)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، سیاسی-اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی استان ایلام، پژوهش‌نامه ۵۵ هویت (۲)، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- غباری، محمدباقر. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی هویت دانشجویی در گفتگو با کارشناسان، آنها تافته جدا بافته نیستند، قابل دسترسی در www.qudsdaily.com/archive/1388/ht
- فاضلی، نعمت‌الله (پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۶). انسان دانشگاهی زائر حقیقت است، گزارشی از همایش انسان دانشگاهی، تهران: روزنامه شرق، شماره ۳۷۷
- فراهانی، محمد تقی. کرمی نوری، رضا. اوحدی، محمود (۱۳۸۵). روان‌شناسی، کتاب درسی، سال سوم متوسطه، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب، چاپ ششم
- کاشی، محمدجواد (پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۶). انسان دانشگاهی زائر حقیقت است، گزارشی از همایش انسان دانشگاهی، تهران: روزنامه شرق، شماره ۳۷۷
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹). مؤلفه‌های هویت‌ساز، تهران: فصل‌نامه سپیده دانایی، سال چهارم، شماره ۳۹

Adams, G. R. (1998). The Objective Measure of Ego Identity status, Department of Family Relationship and Applied Nutrition, College of Social and Applied Human Sciences, University of Guelph, Guelph Ontario Canada,.

ارائه مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان ...

- Berzonsky, M. D. and Adams, G. R. (1999). Reevaluating the Identity Status Paradigm: Still useful after 35 years, *Developmental Review*, 19, 557-590.
- Chang, C. C. (2004). Identity Formation in Taiwanese and American College Students, Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate School of the University of Texas at Austin in partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctoral of philosophy.
- Farahana, W. Y. Azlan, A. K. Kamaruzamam, J. and Azyyati, Z. (2010). Gender Difference on the Identity Status of the Malaysian Preparatory Students, *Canada Social Science*, 6, 145-151. Available at: www.cscanada.net
- Morgul, E. (2007). The Relationship Between Identity Status and Adjustment to College among Local and International Students of the International Islamic University Malaysia, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for Degree of Master of Human Science in Psychology; Kulliyah of Islamic Revealed Knowledge and Human Science.
- Ross, J. and Hammer N. (2002). College Freshman: Adjustment and Achievement in Relation to Parenting and Identity Style, Faculty Sponsor: Emilly J. Johnson, Department of Psychology, USA, 211-217.
- Tagfel, H. (1976). Interindividual Behavior and Intergroup Behavior, Deference between Social Group, *Studies in the Social Psychology of Intergroup Relation*, London, Academic Press.
- Was, C. A., Al-Harthy, I., Stack-Oden, A., and Randall M. Issacson, R. M. (2009). Academic Identity Status and the Relationship to Achievement Orientation, Department of Educational Foundation and Special Services, Kent State University, Kent, OH, School of Education, Indiana University, South Bend, IN. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*.